

«نفوذ» به خیال پردازی کودکان

کارتون یا انیمیشن، یک هنر رسانه‌ای قدرتمند و تأثیرگذار است که می‌تواند به صورت مجازی و استعاری، مشکلات و مسائل پیرامون بشر و جهان را بیان کند



کمپانی‌های تولید انیمیشن غرب به چه می‌اندیشند؟ «نفوذ» به خیال پردازی کودکان

کارتون یا انیمیشن، یک هنر رسانه‌ای قدرتمند و تأثیرگذار است که می‌تواند به صورت مجازی و استعاری، مشکلات و مسائل پیرامون بشر و جهان را بیان کند. این هنر، همان گونه که از غارنوشته‌های اولیه برمی‌آید، از آرزوهای دیرین بشر برای جان بخشیدن به مشاهدات خویش بود.

انیمیشن به یاری زبان بین‌المللی تصویر، حرکت و صدا، فراتر از مرزها و فرهنگ‌های مختلف، بی‌اعتنا به رنگ و نژاد، بر هر جامعه‌ای اثر می‌گذارد. اندیشه ناشی از انیمیم به انیماتور این امکان را می‌دهد که از رنگ‌ها، تصویر اشیا، کاغذ و تصاویر الکترونیکی و حتی کاراکترهای زنده و به کمک توانایی‌های فنی، بازیگران خود را دقیقاً براساس الگوهایی که در ذهن دارد، بیافریند و به بازی بگیرد و این امکانی است که فیلمساز فیلم‌های زنده از آن برخوردار نیست.

همچنین اگر نگاه اقتصادی به مقوله انیمیشن داشته باشیم، می‌بینیم که یکی از پرسودترین تجارت‌های بین‌المللی عصر ارتباطات، تولید انیمیشن است و درآمد بسیاری از کمپانی‌های انیمیشن سازی به واسطه فروش محصولات خود، بیشتر از درآمد فروش نفت کشورهای نفتی است. به عنوان مثال، درآمد ژاپن تنها در بخش تولید انیمیشن، هفت برابر درآمد نفت ایران است یا والت دیزنی، به‌عنوان یکی از باسابقه‌ترین کمپانی‌های صنعت انیمیشن ارزشی معادل درآمد نفتی 12 سال ایران دارد.

انیمیشن، سودآورتر از سینما

سعید مستغاثی، کارشناس انیمیشن و مستندساز درباره بازشناسی موضوع نفوذ غرب با ابزار انیمیشن به جام جم می‌گوید: انیمیشن از دیرپاترین ژانرهای است که در غرب روی آن کار شده و هزینه‌های بسیار هنگفتی برای آن می‌شود. از سینمای صامت می‌توان به انیمیشن جذاب گرتی دایناسور که صدسال پیش یعنی 1914 به نمایش درآمد، اشاره کرد. بعد از آن، کمپانی دیزنی به عرصه انیمیشن‌سازی وارد شد و کاراکترهایی مانند میکی موس و دانلدداک و گوفی و ده‌ها کاراکتر دیگر را در ذهن‌ها ماندگار کرد. روان‌شناسان معتقدند، 80 درصد شخصیت افراد تا هشت سالگی شکل می‌گیرد. لذا کمپانی‌های تلویزیونی در غرب سال‌هاست که در این حوزه برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی می‌کنند، به طوری که در کنار جوایز مختلف اسکار، یک بخش مجزا و اسکار منحصر به فرد تحت عنوان انیمیشن تعریف و تبیین کرده‌اند. لذا درآمدی که یک انیمیشن می‌تواند نصیب یک کمپانی کند چه بسا بیشتر از چند فیلم سینمایی باشد و حتی در تعداد تیراژ و تعداد بیننده بسیار بیشتر از فیلم‌های سینمایی قرار دارد.

مستغاثی اضافه می‌کند: هنرپیشه‌های معروف به سمت صداگذاری انیمیشن‌ها جذب می‌شوند. این امور، نشان‌دهنده جایگاه انیمیشن در میان تولیدات رسانه‌ای است، اما این که چه تأثیری دارد؛ باید گفت انیمیشن‌ها صدها برابر فیلم‌ها روی قشری خاص مانند کودکان و نوجوانان و جوانان تاثیر می‌گذارد چراکه در این سن شخصیت روحی و روانی افراد شکل می‌گیرد. کارشناس معتبر و مشهور آمریکایی با نام ویلیام ایندیک در کتاب سینما و روح بشر در پاسخ کلیسای واتیکان که فیلم هری پاتر را شرک‌آمیز دانسته بودند، گفته است تمام کارتونهایی که از دیروز تا امروز، از کمپانی دیزنی می‌بینیم مانند پینوکیو، سیندرلا، زیبای خفته و هفت کوتوله، شرک، دیو و دلبر، کارتون‌های شرک‌آمیز بودند و هستند چراکه در آنها همواره به جای خدا، دیو و جن و پری، جادوگر خوب و جادوگر بد و دیگر شخصیت‌های پربانی وجود دارد.

این مستندساز می‌گوید: آنچه از کنار این انیمیشن‌ها، مردم دیگر کشورها دریافت می‌کنند در وهله نخست سبک زندگی است و در وهله دوم القای اعتقادات شرک‌آمیز و وهله سوم، دریافت ارزش‌ها و اخلاقیات یک شهروند آمریکایی. دکتر ریک آلتمن استاد دانشگاه پرینستون آمریکا در کتاب خود با نام سینمای موزیکال به مناسبت صد سالگی سینما نوشت، ما در 100 سال گذشته با هالیوود تلاش کردیم فرهنگ آمریکایی را در مملکت خود قوام دهیم و همچنین این فرهنگ را در دیگر کشورها جا بیندازیم و همواره خواسته‌ایم فرهنگ کابوئیسم و گاوچرانی را رواج دهیم. القا کرده‌ایم مردم دنیا چگونه عاشق شوند، چگونه لباس بپوشند، چگونه آرایش کنند، چگونه حرف بزنند و... این انتقال فرهنگ از طریق انیمیشن‌ها بیشتر صورت گرفته و می‌گیرد.

وی می‌افزاید: انیمیشن کاری فراتر از نظریه جهانی‌سازی مک لوهان کرد و آن، راه انداختن جریان آمریکایی‌سازی به جای جهانی‌سازی بود. حتی دقیق‌تر گفته شود، جریان لس‌آنجلسی‌سازی جهان است چراکه اکثر انیمیشن‌ها در شهر لس‌آنجلس ایالت کالیفرنیا ساخته می‌شود و حتی هالیوود هم در این شهر واقع شده است. این جریان و این فرهنگ خاص لس‌آنجلسی یک نوع وسترنیزه شدن مردم جهان را سبب می‌شود. انیمیشن‌های لس‌آنجلسی کاتالیزوری قوی برای تبدیل فرهنگ‌ها و تشکیل و تسریع فرآیند وسترنیزه شدن است. متأسفانه بخش قابل توجهی از برنامه کودک تلویزیون هم در داخل به نمایش این انیمیشن‌ها اختصاص یافته است.

مستغاثی تصریح می‌کند: کارتون سیپسون‌ها به روشنی سبک زندگی غربی و آمریکایی را ترویج می‌کند و مهم‌تر این که این سبک زندگی را برای بزرگ‌ترها ساخته‌اند تا کودکان. در کارتون شرک بسیاری از روابط باز آمریکایی، رقص‌ها و موسیقی راک و جاز غربی را در قالب حیوانات دوست‌داشتنی و خنده‌دار آموزش می‌دهند. جوزف نای در کتاب قدرت نرم (soft power) معتقد است، موسیقی جاز، نوع مو، راگی و نوع زندگی، جزو قدرت نرم فرهنگ آمریکاست. برای همین است که مردم دیگر کشورها به آمریکا به عنوان سرزمین رویاها و سرزمین فرصت‌ها نگاه می‌کنند.

نفوذ باعنوان زیرنویس

این کارشناس سینما و انیمیشن عنوان می‌کند: فیلم خارجی که هنوز یک ماه از اکران آن در سینماهای غرب نگذشته به صورت زیرنویس فارسی در کشور و به قیمت 2000 تومان موجود است. اگر در اروپا و آمریکا طبق قانون از دست یک نفر سی‌دی زیرنویس و غیرمجاز یک فیلم کشف شود آن فرد 250 هزار دلار جریمه نقدی می‌شود. سوال اینجاست که کمپانی‌های فیلمسازی که با میلیون‌ها دلار یک فیلم سینمایی یا انیمیشن می‌سازند، چگونه است که در کمترین زمان با زیرنویس فارسی عرضه می‌شود؟ این مساله‌ای مشکوک است. آیا سرمایه‌گذار آمریکایی که برای هر سنت پولش برنامه‌ریزی دارد، راضی می‌شود تولید چند میلیون دلاری او به راحتی زیرنویس و عرضه شود؟ آیا او به فکر راحتی و اوقات فراغت بچه‌های جامعه ماست؟ این یعنی نفوذ. آنها می‌خواهند تولیدات انیمیشن غرب به سرعت در ایران با دوبله فارسی یا زیرنویس به دست فرزندان انقلاب برسد. فیلم جدید استاروارز (star wars) به تازگی روی پرده سینماهای آمریکا رفته است و می‌بینیم سی‌دی آن با قیمت 3000 تومان در دسترس افراد جامعه قرار می‌گیرد.

مستغاثی اشاره می‌کند: کارتون آواتار را ساختند و چنان مورد توجه نسل نوجوان ما قرار گرفت که الان در فضای مجازی هر نوجوانی می‌تواند یک آواتار بسازد و شخصیت خود را در آن ژانر، جست‌وجو و هویت حقیقی خود را پنهان کند. به نوعی تمرین داشتن یک نوع زندگی دوم را برای بچه‌ها ترویج می‌کنند. آواتاری که اساساً یک پدیده کابالیستی است و نیروهای غیرالهی مانند باد و آب و آتش و خاک را حاکم بر جهان می‌داند. در این کارتون سعی شده این قدرت‌ها، مثبت جلوه داده شوند.

ضرورت تقویت انیمیشن خودی

در ادامه موضوع نفوذ با ابزار انیمیشن، کیوان کثیریان، رئیس انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران می‌گوید: ما عادت کردیم همیشه بگوییم غرب چقدر بد است و کارهای بد را چقدر خوب انجام می‌دهند. درست نیست همیشه از صنعت فیلمسازی آنها گله کنیم. اگر آنها فیلم آمیخته با جلوه‌های انیمیشنی 300 را می‌سازند ما به جای نقد کلامی، یک فیلم قوی ایرانی و پیروزی‌های ایرانیان باستان را بسازیم. این که توقع داشته باشیم آمریکا بیاید به نفع ما فیلم بسازد، یک خیال است. آنها آرگو را می‌سازند برای بزرگ کردن شخصیت گروگان‌های آمریکایی در ابتدای انقلاب، دلشان برای دانشجویان و بچه‌های ایرانی که نسوخته است.

وی اظهار می‌کند: در انیمیشن هم این طور است. آنها نمی‌آیند از شخصیت‌های دینی و مذهبی اسلام برای بچه‌های ما کارتون

بسازند، بلکه از شخصیت‌ها و ارزش‌های خودشان کارتون می‌سازند. لذا ما باید توانایی ساخت انیمیشن خوب را داشته باشیم. به جای این که ما کارتون اسکندر را بسازیم، هالیوود می‌سازد. لذا واضح است، اسکندری که غرب می‌پسندد، ساخته می‌شود.

کثیریان با نقد نگاه دولت تدبیر و امید به بخش فرهنگ تاکید می‌کند: امروزه بخش فرهنگ از نظر بودجه‌ای فقیرترین بخش است. اهمیت فرهنگ را مسئولان تنها در زبان می‌دانند. ساخت انیمیشنی که فرهنگ خودی را نشان دهد و در مقابل دیگر تولیدات غربی مقاومت کند، نیاز به صرف هزینه دارد. کمترین بودجه، برای فرهنگ است در عوض بیشترین شعار برای بخش فرهنگ داده می‌شود. تا وقتی فرهنگ در سیستم بودجه‌نویسی ما به یک اولویت تبدیل نشود نمی‌توان انتظار مقابله فرهنگی با نفوذ غرب را به‌خصوص در حوزه انیمیشن داشت. به جرأت می‌توان ادعا کرد دولت حاضر، فرهنگ را رها کرده و کاملا به دیپلماسی و سیاست چسبیده است. شعار دادن صرف در حمایت از فرهنگ، مشکلی را حل نمی‌کند.

انیمیشن‌های دولایه غربی

این فعال رسانه‌ای می‌افزاید: انیمیشن‌های آمریکایی هیچ کدام در ظاهر شعار سیاسی نمی‌دهند، اما زیرلایه دارند. لایه زیرین کارتونها نسل‌های مختلف را هدف گرفته و تربیت می‌کند. لایه‌رویی، سرگرمی است که از کودک تا بزرگسال بنشیند و آن را با لذت ببیند ولی لایه زیرین، سبک زندگی خودش را القا می‌کند مانند کارتون باربی که یک نوع سبک زندگی ارائه می‌دهد. کار آنها برای این موفق می‌شود که مطالعه دقیق و کار کارشناسی کرده‌اند، نه مانند دارا و سارا که با شکست روبه‌رو شد. دارا و سارا هیچ گاه به عرصه رقابت با شخصیت‌های کارتونی غربی هم نرسید. البته کارهای انیمیشنی جدید و بعضا خوبی در داخل انجام می‌شود و مرحله آزمون و خطا را طی می‌کند که امیدواریم رو به توسعه و نتیجه‌بخش باشد.

کثیریان اضافه می‌کند: انیماتورهای ما امروزه به دلیل نبود حمایت مادی و معنوی دارند جلب و جذب والت‌دیزنی می‌شوند. انیمیشن جمشید و خورشید به عنوان اولین انیمیشن بلند ایرانی بعد از ده سال مجوز یک بار اکران، آن هم به صورت محدود در اسفند 1393 گرفت. جالب این که در این انیمیشن چهره‌هایی همچون پرویز پرستویی، ترانه علیدوستی، حبیب رضایی و ثریا قاسمی شخصیت‌ها را صداگذاری کرده بودند. کارگردانی که این گونه رفتارها را ببیند، دیگر میل و رغبتی برای ساخت انیمیشن پیدا نمی‌کند. رهبر معظم انقلاب از واژه نفوذ در حوزه فرهنگ و رسانه به درستی استفاده کرده‌اند. اگر مثال بزنیم، نفوذ از جایی اتفاق می‌افتد که در آن، روزن و سوراخی وجود داشته باشد والا جایی که عایق باشد، نفوذ هم صورت نمی‌گیرد. باید فرهنگ خودی را درست هزینه و عایق‌بندی کرد تا از نفوذ در امان بماند.

انیمیشن بره ناغلا، برخلاف ظاهرش، کارتونی سیاسی است. گوسفندان، نماد موجوداتی هستند که برای هر کاری راهی پیدا می‌کنند. گوسفندان نماد مردم جامعه و اکثریتند. صاحب مزرعه، نمادی از رئیس جامعه و سگ نگهبان، نماد فردی دست‌نشانده است که از طرف صاحب ملک به عنوان اداره‌کننده جامعه گوسفندان انتخاب شده است. پیام کارتون این است که صاحب ملک، فردی بی‌کفایت است و کسی هم که به عنوان سرپرست انتخاب شده (سگ) از صاحبش ناتوان‌تر است. صاحب مزرعه مخترع است که کارها و اختراعاتش درست از آب در نمی‌آید و اتفاقا کارهایی را که از عهده انجامش بر نمی‌آید، گوسفندان با همکاری یکدیگر انجام دهند.

محمد زندکریمخانی - رادیو و تلویزیون